

## نسخه قلمی «خزینه گنج الهی» در گنجینه دست‌نویس‌های کتابخانه برلین و ارزش علمی و ادبی آن

هندوستان از آغاز قرن سیزدهم به صورت یکی از مهم‌ترین مرکزهای زبان و ادب فارسی درآمد، اما دوره کمال نفوذ زبان و ادبیات فارسی در این سرزمین دوره حکمرانی پادشاهان شعر دوست و ادب‌پرور تیموریان هند محسوب می‌گردد که فرهنگ و ادبیات فارسی هندوستان را با تشویق و حمایت بی‌حساب خود به اوج‌اعلی رسانیدند. خصوصاً اکبر (۱۵۵۶-۱۶۰۵)، جهانگیر (۱۶۰۵-۱۶۲۷) و شاهجهان (۱۶۲۷-۱۶۵۸) سنت دیرینه معارف‌پروری و فرهنگ‌پناهی نیاکان خویش را با جوش و حرارت خاصی امتداد بخشیده، در توسعه و پرمایه ساختن ادبیات فارسی اهتمام زیاد ورزیدند. چنانکه شاعر و دانشمند ایرانی محمدتقی بهار می‌نویسد، در دوره تیموریان هند "رواج زبان و ادبیات فارسی در دربار دهلی زیاد از دربار اصفهان بوده است".<sup>۱</sup>

ذبیح‌الله صفا نیز به همین معنی نوشته که عهد تیموریان هند "بی‌هیچ گونه تردید یکی از بهترین دوره‌های ترویج زبان و شعر فارسی در سرزمین هند و عهد تشویق و ترغیب مؤلفان و نویسندگان و شاعران پارسی‌گوی به حدّ‌اعلای امکان در سراسر دوران تاریخ ادبی فارسی‌ست و دیگر هیچ‌گاه نظیری نیافت و نخواهد یافت".<sup>۲</sup>

هنگامه شعر و ادب فارسی در قرن‌های ۱۶-۱۸ در هندوستان به درجه‌ای گرم بود که صدها نفر اهل علم و ادب از گوشه و کنار جهان رو به هندوستان آورده، با سخنوران محلی، اطراف شاهان و امرا پروانه‌وار گرد آمدند. اهل فضل و کمال مانند

۱. بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، ج ۲، ص ۲۵۷.

۲. صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش ۱، ص ۸.

ابوالفیض فیضی، نظیری نیشاپوری، عرفی شیرازی، ظهوری ترشیزی، طالب آملی، قاضی نورالله شوشتری، حسین انجوی شیرازی، ملّا صوفی مازندرانی، کلیم کاشانی، صائب تبریزی، قدسی مشهدی، سلیم تهرانی، منیر لاهوری، فانی کشمیری، ماهر اکبرآبادی، میرزا عبدالقادر بیدل، غنی کشمیری، نعمت خان عالی، چندربهان برهمن، ناصر علی سرهندی، نسبتی تهانیسری، حزین لاهیجی، میرزا دارا بیگ جويا و دیگران در آفریدن آثار گرانمایه مهارت فوق‌العاده نشان داده، توانستند شاهکارهای عظیم ادبی و فرهنگی از خود به یادگار گذارند. عموماً ادبیات فارسی‌زبان هند در این دوره چنان وسعت پیدا نمود که فرهنگ و ادب کشورهای اساسی فارسی‌زبان را زیر تأثیر خود قرار داد.

قرن‌های ۱۶-۱۸ از صحیفه‌های رخشان تذکره‌نویسی فارسی نیز به شمار می‌رود، زیرا اکثریت تذکره‌های فارسی این دوره در سرزمین هند تألیف یافته‌اند. از آن جمله، «روضه‌السلّاطین» و «جواهرالعجایب» فخری هروی، «کلمات‌الشّعرا»ی محمدافضل سرخوش، «مرآت‌الخیال» شیر علی خان لودی، «نفایس‌المآثر» علی الدوله قزوینی، «بزم‌آرا» سید علی‌الحسینی، «هفت اقلیم» امین احمد رازی، «خلاصه‌الاشعار» تقی‌الدین کاشی، «بت‌خانه» صوفی مازندرانی، «عرفات‌العاشقین» تقی اوحدی، «میخانه» عبدالنّبی قزوینی، «سفینه خوشگو» بندراین داس خوشگو، «تذکره حسینی» میر حسین دوست سنهلی، «نشر عشق» حسین قلی خان عظیم‌آبادی، «سفینه هندی» بهگون داس هندی، «خزانه عامره» و «سرو آزاد» میر غلام علی آزاد بلگرامی، «نتایج‌الافکار» محمد قدرت‌الله خان گویامویی، «صحف ابراهیم» ابراهیم خان خلیل، «مجمع‌الشّعرا» جهانگیری قاطعی، «تذکره مصور» ظفرخان احسن، «تذکره باقی» خواجه باقی نقشبند دهلوی، «خلاصه‌الشّعرا»ی عبداللطیف عبّاسی گجراتی، «طبقات شاهجهانی» محمد صادق، «ریاض‌الشّعرا»ی علی قلی خان واله، «تذکره منیر» ابوالبرکات منیر لاهوری، «مجمع‌النفایس» سراج‌الدین علی خان آرزو، «تذکره‌المعاصرین» حزین لاهیجی، «سفینه بی‌خبر» میر عظمت‌الله بی‌خبر بلگرامی، «گل رعنا» لچهمی نراین شفیق و غیره در شمار تذکره‌های مشهور عهد قرار دارند.

از جمله تذکره‌های این دوره در سرزمین هند «خزینه گنج الهی» اثر میر عمادالدین محمود حسینی متخلّص به الهی می‌باشد که آن با نام «خزینه گنج الهی» مشهور بوده،

بین سال‌های ۱۶۳۹-۵۴ به قلم آمده است.

مؤلفان منابع ادبی، تاریخی، به مانند «کلمات‌الشعرا»، «عرفات‌العاشقین»، «تذکره نصرآبادی»، «مرآت‌الخیال»، «همیشه بهار»، «ریاض‌الشعرا»، «آتش‌کده»، «خلاصه‌الافکار»، «مخزن‌الغریب»، «هفت آسمان»، «عمل صالح» و غیره که راجع به میر الهی معلومات درج نموده‌اند، متفق بر آن‌اند که میر الهی از نمایندگان معروف ادبیات فارسی‌زبان عهد جهانگیر و شاهجهان بوده، با آفریدن بهترین نمونه‌های شعری و نگاشتن آثار گرانمایه اشتهار افزون یافته است. مثلاً، محمد افضل سرخوش در تذکره «کلمات‌الشعرا» (سال تألیف ۱۶۸۳-۱۶۹۷) درباره میر الهی چنین نوشته: «در عهد جهانگیر پادشاه از ولایت همدان به هندوستان آمد. شاعر سخن‌فهم همدان بوده، دیوانی مشهور دارد و چون نام مبارک الهی تخلص کرده، تعظیماً ابتدا از اشعار او نموده شد».

در تذکره همچنین ۵ بیت نمونه از اشعار او مندرج است.

تقی اوحدی مؤلف «عرفات‌العاشقین» نیز که معاصر میر الهی بوده و در آگره با او

ملاقات داشت، راجع به میر الهی بدین طرز خبر داده است:

«مجموعه کمال همدانی میر الهی همدانی. نام وی میر عمادالدین محمود بن میر حجة‌الله سعدآبادی است و سعدآباد از توابع همدان است و وی مدتی در شیراز به کسب کمال اشتغال داشت، از آنجا به عراق آمده، یک دو سال در صفاهان مسکن نمود و در سنه هزار و بیست و یک به هند آمده. به صحبت وی در آگره رسیدیم، الحق، جوانی‌ست در غایت دقت طبع و ادراک عالی. کمال شوخی فطرت و صفای خاطر دارد. آب نظم‌ش در نهایت عذوبت، ابر فکرتش در نهایت رطوبت است. بر هر گونه سخن قدرتی تمامش هست، اگر توفیق مشق یابد شاعری به غایت خوب خواهد شد. تا غایت دو هزار بیت گفته. ادراک درست رسایی دارد و به سخن نیز خوب می‌رسد... الحال (=۱۰۲۲-۱۰۲۴) در ملازمت مهابت خان می‌باشد»<sup>۱</sup>.

بنا به معلومات احمد گلچین معانی مؤلف «عرفات‌العاشقین» در تذکره خویش

۱. معانی، احمد گلچین، تاریخ تذکره‌های فارسی، ص ۵۱۹.

ضمن احوال میر الهی ۱۰۶ بیت اشعار او را نمونه آورده است.

محمد صالح کنبو صاحب «عمل صالح» موسوم به «شاهجهان‌نامه» نیز هنر شاعری میر الهی را بدین طرز وصف نموده:

”مظهر فیض نامتناهی میر الهی که با فیض رابطه الهی دارد طراز سخنش بسیار تازه و اشعارش بلندآوازه، لطف کلامش از قیاس افزون و جزالت الفاظش از خیال بیرون است، در قصیده قصدهای نیکو می‌کند و در غزل معنی برجسته می‌بندد، استعاره و تازه‌گویی را به مرتبه کمال رسانیده و در خانه بیت خصوصیات دیگر را طفیلی دانسته، بیشتر در تازگی ادا و نزاکت و استعاره می‌گوید...“<sup>۱</sup>.

مؤلف یک رباعی و نه بیت از ایجادیات میر الهی را در تذکره‌اش ثبت نموده، ولی به طوری که می‌بینیم، محمد صالح کنبو نیز به صاحب تذکره بودن الهی اشارتی ندارد. صاحب «مآثر رحیمی» نیز میر الهی را در قطار مستعدانی، چون طالب آملی، محوی اردبیلی، سروری یزدی، زرین‌قلم، میر عبدالباقی قصه‌خوان که به ملازمت میرزا غازی ترخان رسیده، رعایت کلی دریافته‌اند و بلندرتبه گردیده‌اند، نام برده، اما راجع به صاحب تذکره بودن او چیزی نمی‌گوید.<sup>۲</sup>

لطف علی بیگ آذر مؤلف «آتش‌کده» نیز از میراث ادبی میر الهی تنها از دیوان او یادآور شده‌است و بس.<sup>۳</sup>

از این لحاظ، می‌توان حدس زد که در سرچشمه‌های ارزشمند ادبی-تاریخی زمان مؤلف لحظه‌های جداگانه حیات و ایجادیات میر الهی منعکس گردیده است، اما هرچند وجه اصلی شهرت و اعتبار میر الهی تذکره «خزینه گنج» می‌باشد، به قول احمد گلچین معانی ”تذکره‌نگاران زمان خردترین اشارتی بدین نکرده‌اند که وی تذکره‌ای تألیف کرده باشد“<sup>۴</sup>.

۱. صالح کنبو، محمد، عمل صالح، ج ۳، ص ۴۱۵.

۲. عبدالباقی نهاوندی، مآثر رحیمی، ص ۷۸۱-۷۸۸.

۳. آذر، لطف علی بیگ، آتش‌کده، ۱۵۳ه.

۴. تاریخ تذکره‌های فارسی، ص ۵۱۸.

راجع به میر الهی و «خزینة گنج» او مرتبان فهرست کتابخانه‌های جهان اسپرینگر، و پیرتچ، استوری و ریو اطلاعات مهمی داده‌اند و تذکره «خزینة گنج الهی» سرچشمه نادر خطی بوده، از آن فقط دو نسخه به دست ما رسیده است. یکی از نسخه‌های قلمی «خزینة گنج الهی» در کتابخانه اوده تحت شماره ۱۱ محفوظ بوده، از جانب اسپرینگر توصیف یافته است.<sup>۱</sup> در فهرست این دانشمند آلمانی نام آن شعرا نیز آورده شده است که ذکرشان در تذکره رفته است.<sup>۲</sup>

نسخه دیگر تذکره «خزینة گنج الهی» در شعبه دستخط‌های شرقی کتابخانه برلین تحت شماره ۶۴۶ محفوظ است. در جریان سفر علمی به جمهوری فدرال آلمان به این جانب میسر گردید که به این نسخه معتبر تذکره از نزدیک آشنایی پیدا نموده، محتوای آن را تحلیل و بررسی نمایم. از این رو، در این مقاله راجع به روزگار مولف تذکره و مشخصات و ارزش علمی و ادبی نسخه اثر او در کتابخانه برلین مفصل ابراز نظر می‌شود. میر الهی از سخنوران معروف قرن هفدهم بر شماریده می‌شود. استوری ضمن بیان شرح حال میر الهی اساساً بر نوشتجات خود الهی تکیه نموده، خبر می‌دهد که پدر میر الهی، میر حجت‌الدین از اسدآباد همدان بود. میر الهی در سال ۱۰۱۰ / ۱۶۰۱-۲ رو به شیراز آورد و سه و نیم سال آنجا تحصیل نمود. بعداً به کابل سفر نموده، با حکیم حاذق گیلانی در آن جا ملاقات انجام داد. یادآوری به مورد است که در آنجا در سال‌های ۱۰۳۴-۱۰۳۸/۱۶۲۴-۱۶۲۸ ظفر خان احسن حاکم بود. از این رو، بعداً الهی عازم هندوستان گردید و در کوتاه‌ترین فرصت در دربار جهانگیر و شاهجهان شهرت پیدا نمود. در سال ۱۰۴۱/۱۶۳۱ وقتی ظفر خان احسن صوبه‌دار (حاکم) کشمیر تعیین گردید، میر الهی همراه او به خطه کشمیر رخت بست و تا آخر عمر در این سرزمین مینو نظیر زندگی بسر برد.<sup>۳</sup>

1. Sprenger A, A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustany Manuscripts of the Libraries of the King of Oudh, Vol. I, p. 66-67.

۲. همان، ص ۶۷-۸۷.

3. Storey C.A, Persian Literature, A bio-bibliographical survey, p. 815-816.

چارلز ریو ضمن توصیف نسخه‌ای از دیوان الهی که در موزه بریتانیا محفوظ است، به صاحب تذکره بودن او اشارت نموده<sup>۱</sup> و به معنوی شدن یک مثنوی به ظفر خان احسن توسط این سخنور تأکید نموده است.<sup>۲</sup>

اسپرینگر در فهرست خود نام الهی را به صورت عمادالدین محمود الهی حسینی ذکر نموده، به معلومات مؤلف تذکره «همیشه بهار» اشارت می‌نماید که با اخبار تذکره‌نگاران دیگر تفاوت دارد. از آن جمله، طبق اخبار کشتن چند اخلاص نام میر الهی، صدرالدین محمدعلی و اسم پدرش که زاده همدان بود، محمد شیرازی می‌باشد.<sup>۳</sup> لازم به تذکر است که در تذکره «سفینه خوشگو» نیز زیر نام میر الهی ترجمه حال حکیم صدرالدین علی‌ابن محمد شیرازی متخلص به الهی ثبت شده است. اسپرینگر برآمیخته شدن معلومات کشتن چند اخلاص را راجع به شرح حال میر الهی با معلومات حکیم مسیح‌الدین الهی که در زمان جلال‌الدین محمد اکبر به هند آمده بود، تأکید نموده است.<sup>۴</sup>

اسپرینگر می‌نویسد که بنا به قول صاحب تذکره «همیشه بهار»، میر الهی در سال ۱۶۰۱-۲/۱۰۱۰ نه به شیراز، بلکه به اصفهان رفته، آنجا سه و نیم سال اقامت نموده است. سال به شیراز رفتن میر الهی ۱۶۰۶/۱۰۱۵ نشان داده شده است<sup>۵</sup> که در این مورد نیز معلومات کشتن چند اخلاص با اخبار تذکره‌نگاران دیگر که سال ۱۶۰۶-۷/۱۰۱۰ را سال به شیراز رفتن میر الهی می‌دانند، تفاوت دارد. در تذکره مذکور توقف نمودن میر الهی در تھانیسر نیز ذکر شده است.<sup>۶</sup>

همچنین، اسپرینگر ضمن توصیف دیوان میر الهی هم‌عصر بودن تقی اوحدی و

1. Rieu Ch. Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum, 687-688.

۲. همان، ص ۶۸۸.

3. A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustany Manuscripts of the Libraries of the King of Oudh, compiled by order of the Government of India, Vol. I, p. 66.

۴. همان، ص ۴۳۶.

۵. همان، ص ۶۶.

۶. همان.

محمدجان قدسی با او و رشته دوستی ایشان با میر الهی را ثبت نموده است.<sup>۱</sup> میر الهی در سال ۱۶۵۲/۱۰۶۳ در کشمیر از عالم چشم پوشید.<sup>۲</sup> در «واقعات کشمیر» نیز مسطور است که وفات میر الهی در سال ۱۶۸۵/۱۰۶۳ در کشمیر به وقوع پیوست. «بود سخن آفرین» ماده تاریخ وفات او بوده، ضمن قطعه شعری در بالای لوح مرقدش ثبت شده است.<sup>۳</sup>

اسپرینگر با تکیه بر تاریخ غنی سال ۱۶۴۲/۱۰۵۲ م را همچون سال فوت میر الهی ذکر نموده است.<sup>۴</sup>

همین طور، راجع به روزگار و آثار میر الهی مصنفان کتب فهرست، اندیشه‌های قابل ملاحظه بیان داشته، به صاحب تذکره بودنش صریحاً اشارت فرموده‌اند که منظورشان همان تذکره «خزینة گنج الهی» بوده است. این اثر به ذکر ۴۰۰ سخنور اختصاص یافته است. خصوصیت مهم «خزینة گنج الهی» در آن ظهور می‌کند که در آن به مانند تذکره‌های «بزم‌آرا»، «هفت اقلیم»، «خلاصة الشعرا»، «عرفات‌العاشقین» و غیره مؤلف در برابر ذکر شعرای عهد تیموریه شاعران متقدم را نیز در تذکره خویش داخل نموده است. به این نسبت است که مؤلف کتاب «تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان» تذکره‌های این عهد را نه تنها مأخذ و منبع بسیار مفیدی در تدوین شعر فارسی در زمان تیموریان هند می‌شمارد، بلکه تا حدی «آیینة تطور و تحوّل شعر فارسی از زمان قدیم تا زمان تیموریان بزرگ هند» می‌نامد.<sup>۵</sup>

آشنایی با تذکره مذکور و بررسی ساختار و مندرجه آن پیش از همه این نکته را مقرر می‌سازد که مؤلف آن روش تألیف تذکره‌ها را ادامه‌داده، مواد آن را به ترتیب

1. A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustany Manuscripts of the Libraries of the King of Oudh, Vol. I, p. 435-436.

۲. همان، ص ۸۱۵-۸۱۶.

3. Persian Literature. A bio-bibliographical survey, p. 816.

4. A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustany Manuscripts of the Libraries of the King of Oudh, Vol. I, p. 436.

۵. تاریخ تذکره‌های فارسی، ص ۸۹.

الفبایی تنظیم نموده است. «خزینة گنج الهی» با امیر محمد ابن یمین فریومدی آغاز یافته، با معلوماتی راجع به همایون پادشاه تیموری هند به اتمام می‌رسد. بررسی عمیق محتوای تذکره بر اساس این نسخه با اعتبار نشان می‌دهد که این تذکره احتمالاً ناتمام است. دلیل اصلی برای رسیدن بر این نتیجه آن است که چون مطابق تنظیم ساختاری «خزینة گنج الهی» می‌بایست از مقدمه، ترجمه حال شاعران با ذکر نمونه‌ها از ایجادیات آنها و خاتمه عبارت باشد، اما در این نسخه قسمت آغاز و انجام آن دیده نمی‌شود. برابر این، معلومات راجع به همایون پادشاه نیز ناتمام است. با توجه به توصیف نسخه مذکور بر اساس روش‌های نسخه‌شناسی و تهیه معلومات‌نامه فهرستی می‌توان مقرر نمود که مقوای کتاب کارتنی بوده، رنگ سیاه دارد که در رویش نقطه‌های سفید است. درازی و پهنای آن ۱۷/۲۹ سانتی‌متر می‌باشد و متن کامل اثر با خط نستعلیق کتابت شده است. در روش تنظیم مواد اصول خاص خویش را کاتب به کار گرفته است، متن اصلی را با رنگ سیاه نوشته، سرلوحه‌های آن را توسط رنگ شنگرف ثبت کرده است. در حاشیه‌های کناری متن با دو نوع رنگ سرخ جدول کشیده شده است. در بالای ورق ۱۹ ب هرچند رنگ بر روی متن ریخته است، اما به مشاهده می‌رسد که به متن آسیبی نرسیده است. هر صفحه نسخه اساساً از ۱۹ سطر عبارت بوده، در بعضی موارد صفحه‌ها ۱۸ سطر یا ۲۰ سطر شده‌اند.

هرچند و. پیرتچ کتابت این نسخه را به قلم چند کاتب می‌داند<sup>۱</sup>، اما احمد گلچین معانی به خط مؤلف بودن نسخه مذکور را تأکید نموده است<sup>۲</sup>. البته، برای و. پیرتچ هم جهت رسیدن به این خلاصه دلیل هست، چون ضمن مشاهده معلوم می‌شود که تنها دو و نیم صحیفه نسخه به خط دیگر کتابت شده است. شاید با توجه به همین صحیفه‌ها و. پیرتچ بر چنین خلاصه رسیده باشد که این نسخه توسط چندین نفر کتابت شده است. با نظر داشت آن که تاکنون نقطه نظر نهایی در مورد کاتب اصلی نسخه، زمان و تاریخ

1. Pertsch W. Verzeichnisse der persischen Handschriften der Koniglichen Bibliothek zu Berlin, p 610.

۲. تاریخ تذکره‌های فارسی، ص ۵۱۸.



استنساخ آن در کتب فهرست بیان نشده است، اما به چند دلیل می‌توان دریافت که نسخه به خط مؤلف است:

۱. بر اساس علم نسخه‌شناسی باقی گذاشتن چنین صحیفه‌های خالی بیشتر از جانب مؤلفان صورت می‌گیرد، چون با اصول خاص تدوین تذکره‌ها ایشان مطالب را بر اساس ذوق خود تنظیم نموده، سپس تکمیل می‌نموده‌اند. یا نام شاعران را با همین اصولی که میر الهی ذکر نموده است، آورده، بعداً از پی فراهم‌آوری معلومات می‌شده‌اند، تا تذکره تکمیل شود؛

۲. فرق خط تنها در دو مورد معلوم می‌شود و ضمن مطالعه روشن گردید که آن صحیفه هم به کتاب الحاق شده است. یک صحیفه عبارت از نمونه‌ای از داستان «فرهاد و شیرین» عبدالله هاتفی می‌باشد که تا جایی واقعیت اندیشه بالا را می‌تواند به حقیقت نزدیک سازد، چون صحیفه تغییرات خطی داشته، تنها شامل نمونه شعری است. تخمین می‌رود که مؤلف شاید از شخصی درخواست کرده باشد، تا از آثار این سخنور نمونه فراهم آورد و آن را در همان جای ضروری آن به کتاب خود پیوسته باشد. در مورد دوم تغییر خط اصلی از خطوط دیگر در جریان ذکر جمیل مولانا عبدالرحمان جامی از ص ۴۰ الف تا ۴۲ ب نیز به مشاهده می‌رسد. با توجه به خط یگانه تذکره و موجودیت همین فرق حداقل می‌توانیم به این نتیجه برسیم که اگرچه نسخه کامل تذکره نیست، شاید نسخه کاری مؤلف بوده که آن نیز از اهمیت ویژه برخوردار است.

نشانه‌های مذکور نسخه در طرف چپ ورق اول نسخه مهر مدور شعبه دستخط‌های شرقی کتابخانه برلین گذاشته شده است و یک مهر دیگر را می‌توان در صفحه ۱۳۸ ب که اطلاعی در آن جای ندارد، مشاهده کرد و البته، این مهر منسویت نسخه مذکور را به کتابخانه برلین تأیید می‌کند.

این تذکره از مقدمه، ترجمه حال شاعران و نمونه‌ای از ایجادیات آنها و خاتمه عبارت است. اما در نسخه دسترس ما مقدمه و خاتمه آن موجود نیست و نکته نظر بالا شاید بر اساس نسخه دیگر این تذکره بیان شده است که مقدمه و خاتمه کتاب در آن موجود بوده، اما در نسخه مورد نظر ما حذف شده است. به سبب آن که نسخه دومین

تذکره هنوز در دست ما نیست و اگر نسخه مورد نظر را به حکم نسخه برابر به اصل یا متعلق به قلم مؤلف قبول نماییم، خلاصه قطعی در مورد موجودیت مقدمه و خاتمه اثر برآوردن دشوار است. به هر حال، علت ناتمام ماندن اثر ما را بر این نتیجه می‌رساند که شاید مؤلف هدف نگارش این بخش‌ها را داشته است و متأسفانه، عمر برای انجام این کار برایش وفا نکرده.

الهی در ابتدا نام اصلی شاعر، تخلص، جای تولد، گاهی سال تولد، جای زیست، کسب و کار، طول عمر، گاهی سال وفات و جای وفات، سیمای اخلاقی و طرز روزگار شاعران، ممدوحان، استادان و شاگردان و بعضی جزئیات زندگی آنها را نقل می‌کند، سپس دایره به ایجادیات شاعران اطلاع می‌دهد که شامل نام آثار شاعران، موضوع و مندرجه آنها و نمونه‌هایی از شعر آنها می‌باشد. نکته جالب توجه آن است که در موارد مختلف نگارنده تذکره اندیشه‌های خویش را راجع به ارزش‌های ادبی آثار سخنوران بیان داشته است که این امر به جایگاه خاصه تذکره در نقد و سخن‌سنجی اشارت می‌کند. جا دارد که افکار انتقادی میرالهی در تذکره و جایگاه آنها در نقد و سخن‌سنجی فارس و تاجیک به طور جداگانه بررسی شود و این امر می‌تواند در تفریر مقام این اثر نقشی مؤثر گذارد.

مؤلف بیشتر به مطالب «تذکره الشعراء»ی دولت‌شاه سمرقندی، «تحفه سامی» سام میرزای صفوی، «مجالس النفایس» علی شیر نوایی، «جواهرالعجایب» فخری هروی، «عرفات العاشقین» و دیگران تکیه نموده است. از این جا، هویداست که این آثار به حکم سرچشمه‌های اساسی تذکره خدمت کرده‌اند. درباره چندی از زنان سخنور نیز مطالبی آورده است. از جمله، درباره بی بی آتون (۱۰ ب) که در سرزمین هند می‌زیسته است، معلومات آورده است، که، بی‌شک، این امر در کار تکمیل تذکره‌های معاصر مربوط به زنان سخنور می‌تواند نقشی گذارد.

در مجموع، از بررسی اجمالی نسخه مذکور تذکره «خزینة گنج الاهی» می‌توان، بر این نتیجه رسید که با همه کمی‌ها و کاستی‌ها می‌توان آن را به حکم یکی از سرچشمه‌های مهم معرفت و شناخت ادبیات فارسی دانست که بر پایه اطلاعات فراوان و نمونه‌های زیاد اشعار شاعران تهیه و تنظیم شده است. روش تصحیح و تکمیل و

تنظیم ما را به این نتیجه می‌رساند که احتمال این نسخه به خط خود مؤلف کتابت شده است و نسخه اصلی و به اصطلاح نسخه‌شناسی «نسخه مادر» می‌باشد. خالی گذاشتن جای‌های معین در تذکره تنها می‌تواند از جانب خود نگارنده اثر هدف‌مندانه صورت گیرد، وگرنه کاتبان اساساً هرچرا که در نسخ دیگر بوده، به همان صورت بیشتر کتابت می‌نمودند. از سوی دیگر، موجودیت نشانه‌های انجام کارهای تحریر و تکمیل در متن تذکره، ما را به این نتیجه می‌کشاند که نسخه علاوه بر متعلق بودن به مؤلف، نسخه کاری او باید بوده باشد، چون کارهای تحریر و تکمیل در نسخه‌ها را باز هم اساساً خود نگارندگان آن آثار انجام می‌داده‌اند. هر آینه، پیدا شدن نسخه مذکور کتابخانه برلین راه تازه‌ای را در شناخت ارزش و مقام این تذکره در ادبیات فارسی برای ما باز می‌کند و ما باور کامل داریم که با دسترسی به نسخه دیگر کتاب مذکور در این زمینه پژوهش‌های بیشتری انجام می‌شود، تا خلاصه نهایی در رابطه با مقام این نسخه بیان گردد.

### منابع

۱. احمد علی، هفت آسمان، کلکته، ۱۸۷۳.
۲. آذر، لطف علی بیگ، آتش‌کده، نسخه قلمی کتابخانه دولتی برلین، شماره ۶۵۸.
۳. بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، چاپ هفتم، ج ۲، تهران، ۱۳۷۳.
۴. سرخوش، محمد افضل، کلمات‌الشعرا، نسخه قلمی محفوظ در کتابخانه دولتی برلین، شماره ۶۵۰.
۵. صالح کنبو، محمد، عمل صالح، ترتیب و تصحیح غلام یزدانی، ترمیم و تصحیح وحید قزوینی، ج ۱-۳، لاهور، ۱۹۶۸-۱۹۷۲.
۶. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش ۱، چاپ نهم، تهران، ۱۳۷۳.
۷. عبدالباقی نهاوندی، مآثر رحیمی، با سعی و اهتمام محمد حسین، ج ۳، کلکته، ۱۹۳۱.
۸. معانی، احمد گلچین، تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، تهران، ۱۳۴۸.
۹. نقوی، سید علی رضا، تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران، ۱۹۶۷.
10. Pertsch W. Verzeichnisse der persischen Handschriften der Koniglichen Bibliothek zu Berlin, Bd. II. - Berlin, 1888.

- 
11. Rieu Ch. Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum, Vol. II, London, 1883.
  12. Sprenger A. A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustany Manuscripts of the Libraries of the King of Oudh, Vol. I, Containing Persian and Hindustany Poetry, Reprint of the Edition Calcutta, 1934, Biblio Verlag, Osnabrock, 1979.
  13. Storey C.A. Persian Literature. A bio-bibliographical survey, London, 1953.